

# امام خمینی و احیای اندیشه جامعیت دین

به بهانه ۱۴ جوزا سالروز ارتحال خمینی کبیر (ره)

سید میرزا حسین بلخی

اشاره:

امروز امام خمینی (ره) به عنوان یک شخصیت الهی در جهان بشریت مطرح است و این نه به آن علت است که ایشان رهبر یک ملت - ایران - بودند، بلکه به این علت است که امام به همه مسلمانان جهان، حیات دوباره بخشیدند و زندگی شیرین حاکمان جور، استثمارگران و مستکبران را به کامشان تلخ کردند. در این شرایط اگر گفته شود که در هیچ جای دنیا، انقلاب اسلامی بی نام امام شناخته شده نیست،<sup>۱</sup> سخنی به گراف نیست.

اینک در هشتمین سالگرد رحلت آن ابرورد بزرگ تاریخ، بر پیروانش لازم است، سعی و تلاش همه جانبه خود را برای شناخت و درک تفکر و اندیشه متعالی اش به کار گیرند. اگر چه پرداختن به مسئله احیای جامعیت دین از دیدگاه امام، کاری نیست که در مدت چند روز و به همت چند نفر و در چند صفحه کاغذ، شناخته و شکافته شود، اما شاید این کار مقدمه‌ای باشد برای پرداخت وسیع‌تر و موشکافانه‌تر در این باب، با این امید نگاه کوتاهی خواهیم داشت به دیدگاههای امام خمینی (ره) درباره جامعیت دین اسلام و احیای آن.

## مبحث اول

### ۱- آیا دین می‌میرد؟

واژه احیا به معنی زنده کردن است و از این معنی برمی آید که دین می‌میرد و سپس می‌شود زنده‌اش کرد. اما این نوع برداشت با اصل وجود دین نقض می‌شود و لذا باید گفت که حقایق دینی محو می‌شود و یا اینکه با وسایل و ابزارهای روی حقایق دینی را

می‌پوشانند. مانند گرد و خاکی که روی شیشه می‌نشیند و شیشه کدر و محو به نظر می‌آید. یا ابر مانع تابش خورشید می‌گردد و ... ولی در هیچ دوره‌ای و هیچ دینی نمی‌میرد و این نظریه با اصول مسلم اسلامی در تضاد است. بلکه به علل و عواملی روی حقایق دینی سرپوش گذاشته و آن را منکر می‌شوند.

## ۲- موجبات افول دین.

اگر چه موارد و نکات بی‌شماری را به عنوان موجبات افول دین می‌توان شمارید، اما «تحریف» و «بدعت» دو عاملی است که همه را شامل می‌شود. یعنی استعمارگران و استثمارگران چون همیشه حقایق دینی را مانع مستحکمی در راه اهداف و نیات خود می‌بینند، با تحریف و گسترش بدعت سعی می‌کنند، دشمن همیشگی خود را از سر راه برداشته و سپس به سوی اهداف بلند پروازانه و استعمارگرانه خود حرکت کنند و در این مسیر علاوه بر دو مورد قبل از مسایل زیر نیز استفاده می‌کنند:

الف- همگام نبودن دین با زمان

ب- کهنگی و پوسیدگی

ج- عدم جامعیت

د- عدم جهان‌شمولی



## ۳- احیا در فرهنگ اسلامی

احیا در متون دینی بر مواردی همچون زنده کردن مردگان، حیات بخشیدن به طبیعت، هدایت کردن گمراهان و زنده نمودن شریعت به کار رفته است. مثلاً در مورد حضرت مهدی (عج) گفته شده است: «و یحیی مینة الكتاب و الشریعه» و در فرهنگ اسلامی، احیاگران مورد لطف و تقدیر قرار گرفته‌اند: «رحم الله عبداً احيى امرنا»<sup>۱</sup>

احیا در فرهنگ اسلامی ریشه محکم و استواری دارد و به همین واسطه احیاگری وظیفه کسانی است که دین را به خوبی شناخته و با شرایط زمانی و مکانی به خوبی آشنا باشند و قادر به تشخیص راستی و حقیقت از کژراهه‌های زمانه هستند. حقایق را از بدعت‌های زمانه به خوبی تشخیص داده و درک می‌کنند و غبار تحریفات را در چهره

دین به خوبی و به وجه احسن مشاهده می‌کنند: «اذا ظهرت البدع فی امتی فلیظهر العالم علمه. فمن لم یفعل، فعليه لعنة الله...»<sup>۱</sup>

#### ۴- گذشته احیاگری:

گذشته احیاگری بسیار غم‌انگیز است. زیرا شب‌پرستان از همان ابتدا بعثت پیامبر (ص) فعالیت‌های گسترده خود را آغاز کردند و بعد از درگذشت آن حضرت، در اولین مرحله موفق به جدایی دین از سیاست گشتند و در واقع اسلام را منحصر به عبادت ساختند (به صورت ابتدایی) و این وضعیت ادامه داشت تا زمان شاهان بنی امیه و بنی عباس که شیوه‌های نوین و کامل، جایگزین روش‌های سنتی گردید. ممنوعیت نقل حدیث در فضیلت خاندان نبوت، رواج احادیث ساختگی، سب و لعن امام علی (ع)، شکنجه و آزار ائمه (ع) و کشتار رهروان حق به علاوه منع نقل حدیث از پیامبر (ص)، رواج افکار یهود و نصاری در میان مسلمین و از یاد رفتن سیره پیامبر اکرم (ص)، همه و همه این نکات دست به دست یکدیگر داده، حقایق دینی را محو و کدر کردند و احیاگری نیز دقیقاً از زمان پیامبر آغاز شد و ادامه یافت. لذا می‌توان گفت که احیاگران واقعی پیامبر اسلام و ائمه (ع) هستند و سپس فقیهان جامع‌الشرایط، این وظیفه دشوار را بر دوش داشته و دارند.

در مرور زمان، مانع‌تراشان و شب‌پرستان از راه‌های جدیدی سود جستند. مذهب تراشی، نژادگرایی، ملیت، زبان، رنگ پوست، جغرافیا و... از آن جمله است که به نظر می‌رسد موفق هم بوده‌اند و در مواردی هم که روش‌های قدیم و جدید، هیچیک تأثیر نداشته، از طریق روشنفکران و عالم‌نماها اقدام کرده و به جنگ دین رفته‌اند و با این ترفند که دین از علم روز جداست و یا دین کهنه شده و جوابگوی مسایل امروز نیست و یا اینکه سیاست یعنی فریب، مکر و نیرنگ و این با دین سازگار نیست، پس اسلام با سیاست هماهنگی ندارد و کنار هم قرار نمی‌گیرند.

استعمارگران که تنها راه ثروت‌اندوزی و پیشرفت خود را در استعمار و استثمار ملت‌های دیگر می‌دیدند و دیده بودند که مسلمانان چگونه گذشته شگرف خود را فراموش کرده‌اند، چنین وانمود کردند که علت همه نابسامانی‌ها در دین است و همانند اروپایی‌ها تا یوغ اسارت دین برگردن انسان‌ها باشد، پیشرفت و تکامل زمینه بروز و ظهور نخواهد یافت و لذا آنهایی که خواهان ترقی هستند باید از دین و مذهب دوری کنند.

روشتفکر نماها و عالم نماها بازیچه مکر و فریب دشمن قرار گرفته و وسیله تبلیغ و ترویج افکار شیطانی آنها قرار گرفتند و متوجه نبودند که مسیحیت امروز ساخته دست پرورده «مسیح» نیست، بلکه ساخته و پرداخته کسانی است که سعی و تلاش داشتند تا ادیان را دستاویز و بازیچه خود قرار داده و وانمود کردند که دست و پایشان را بسته اند و بعد فریاد برآوردند که: «دین افیون توده ها است!» غافل از اینکه دین حضرت مسیح نیز دارای جنبه های مختلفی است، حضرت امام (ره) می فرمایند: «حتی حضرت عیسی (ع) که تابعین امروزمین او خیال می کنند حضرت عیسی (ع) فقط یک معنویاتی گفته است، ایشان هم همینطور بود، که از اول قرار بوده معارضه کند، آن وقتی که تازه متولد شده می گوید کتاب آوردم. یک همچو عیسی بی (ع) نمی نشیند توی خانه و مسئله بگوید تا چه بشود. اگر مسئله می خواست بگوید و مسئله گو بود، دیگر چرا اذیتش می کردند [؟]». <sup>۱</sup> آنهايي که مذهب را در تضاد با منافع خود می دیدند، در طول تاریخ از هر نوع وسیله و ابزاری برای رسیدن به هدف خود استفاده کردند و با درک شرایط و موقعیت ها و به کار بردن سلاح های جدید، اکثریت مسلمانان را نسبت به سرنوشت خود بی تفاوت ساخته و عدهٔ قلیلی را که حاضر به پذیرش اقدامات آنها نبوده و مقاومت می کردند، به عناوین مختلف یا از صحنه بیرون کردند و یا به نابودی کشاندند.

گفتیم از همان آغاز تبلیغ اسلام توسط پیامبر (ص) که زمزمه های کج اندیشان آغاز گشت، فعالیت حاملان دین که آغاز شده بود، ادامه یافت و تشدید شد. اما احیای به مفهوم امروزی در سده های اخیر و با ظهور سید جمال الدین، شهید مدرس، سید قطب و ... آغاز گشته و با حضرت امام (ره) به کمال رسیده است.

### ۵- دین و جامعیت عالمان دینی

همانطوری که اسلام جامع است باید احیاگران و عالمان آن هم، جامع باشند. زیرا افرادی که با جنبه های مختلف دین آشنا نباشند، نمی توانند از آنها سخن گفته و آن بخش ها را تشریح نمایند و ابعادش را به دیگران بشناسانند. در بند گذشته اشاره شد که احیای سابقه طولانی دارد و در گذشته کسانی بوده اند که در این راه از خود گذشته اند، اما موفق نبوده و به کمال نرسیده اند و بهتر است در اینجا اشاره شود که یکی از علت های عمده عدم موفقیت آنها، عدم جامعیت شان بوده است و با کنکاشی در آثار و رهنمودهای حضرت امام (ره) به این نتیجه می رسیم که در هیچ دوره ای،

شیعه چنین فقیه جامع‌الشرایطی به خود ندیده و به احتمال قوی در آینده هم نخواهد دید:

کسی می‌تواند دست اصلاح به این دستگاه دراز کند که چند شرط زیر را داشته باشد:

۱- تخصص در علوم روحانیه، که سخن‌های او کورکورانه و از روی جهالت نباشد.

۲- علاقه‌مندی به دیانت و روحانیت و عقیده به اینکه روحانیت در کشور لازمست.

۳- پاک بودن نیت او که دست درازیش برای نفع‌طلبی نباشد.

۴- عقل، تدبیر و تمیز صلاح و فساد، تا کارهایش از روی نقشه‌های خردمندانه باشد.

۵- نفوذ روحانی که نقشه‌های خود را بتواند عملی کند.<sup>۱</sup>

و به حق باید پذیرفت که ایشان خود، دارای چنین ویژگی‌های برجسته و سنگین بودند زیرا که اسلام را به کامل‌ترین وجه و بنا همه جزئیاتش به خوبی درک کرده و شناخته بودند و به قول دوستی:

جامعیت امام، از جامعیت اسلام نشأت می‌گرفت. زیرا که در دین اسلام همه حقایق و ظرایف وجود دارد و آنکه اسلام را به خوبی شناخته باشد، از همه جهات جامع و کامل است.

و حال اگر بگوییم که امام (ره) به معنی دقیق کلمه اسلام را شناخته و با تمام وجود آن را لمس و درک کرده و با گوشت و خون خود عجين کرده بودند، ذره‌ای اغراق نکرده‌ایم.

## مبحث دوم

### امام و احیای دین اشاره:

امام (ه) در شرایط خفقان‌آور حکومت شاهنشاهی که روزنه‌ای برای احیای اسلام و ... احتمال داده نمی‌شد، حرکت الهی خود را آغاز کردند و این در زمانی بود که سلطنت دو هزار و پانصدساله شاهی در ایران مستحکم و غیرقابل نفوذ به نظر



می‌رسید. شاه اصول و حامیانی داشت و امام (ره) نیز با تکیه بر قدرت لایزال الهی و توجه ولی عصر (عج) و همچنین خیزش و قیام سراسری ملت ایران و بیداری مسلمانان و جهان اسلام، در صحبت‌ها، بیانیه‌ها و ... روی نکاتی انگشت می‌گذاشتند که خالی از ویژگی‌های زیر نبود:

- اصولی
- متحرک و جوشنده
- مستحکم و پابرجا
- مطابق با دنیای جدید
- قابل بسط و گسترش
- غیر قابل انکار
- فراگیر و همگانی
- متناسب با نیاز انسان امروز

در بدو امر به نظر می‌رسد انتخاب چنین ویژگی‌هایی برای بیانیه‌ها، سخنرانی‌ها و ... در هر حرکت و انقلابی، کاری است دشوار و بسیار سخت و همه آن امور با هم جمع نخواهد شد، اما با بررسی افکار و اندیشه‌های حضرت امام (ره) به خوبی این ویژگی‌ها را می‌یابیم و به این نتیجه می‌رسیم که ایشان فردی بوده‌اند بسیار عالم و باسواد، اسلام‌شناس، عاقل و زیرک، مدیر و مدبّر و در یک کلام همه علوم گذشته، حال و حتی آینده را در خود جمع کرده بودند و از قدرت تحلیل و تفسیر بسیار دقیقی نیز برخوردار بوده‌اند. با توجه به مسایل فوق به نظر حضرت امام (ره) مشکل اصلی که مانع ظهور و بروز دین شده و در سال‌های اخیر آن را محدود کرده و به شدت در تنگنا قرار داده بود، تفکر و اندیشه جدایی دین از سیاست و منحصر کردن دین به مسایل عبادی می‌باشد و در واقع بارفع این مشکل، همه موانع از سر راه برداشته می‌شود و به هر یک در جای خود اشاره خواهد شد، تأکید حضرت امام (ره) روی این نکته است که وقتی می‌گوییم «دین»، سیاست را هم شامل می‌شود و سیاست جزء لاینفک دین است:

حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله (ص) است، یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز و روزه و حج است.<sup>۱</sup>

حضرت امام (ه) که احیای دین را زنده کردن رابطه جدایی ناپذیر دین و سیاست می‌دانند، مهمترین افکار خود را روی چهار محور عمده قرار داده و ثابت می‌کنند که دین همان سیاست است و سیاست همان دین.<sup>۲</sup>

۱. صحیفه نور - ج ۲۰ ص ۱۷۰.

۲. اشاره به جمله معروف شهید مدرس «سیاست ما عین دینت ما...».

## محور اول

حضرت امام (ره) شعار جدایی دین از سیاست را نتیجه تبلیغات فریبنده استعمارگران می‌دانند که سال‌ها با اغواگری تلاش کردند تا جوامع اسلامی را به نابودی کشانند و از سر راه خود بردارند و تا حدودی موفق هم بودند، همانطور که در قرون اول، بنی‌امیه و بنی‌عباس به این وسیله موفق شدند تا مقداری از اهدافشان را پیاده کنند:

طرح مسأله جدابردن سیاست از روحانیت، چیز تازه‌ای نیست. این مسأله در زمان بنی‌امیه طرح شد و در زمان بنی‌عباس قوت گرفت. در این زمان‌های اخیر هم که دست‌های بیگانه در ممالک باز شد، آنها هم به این مسأله دامن زدند به طوری که مع‌الاسف بعضی از اشخاص متدین و روحانیون متعهد هم باورش‌ان آمده است که مثلاً اگر یک ملایی در مسایل سیاسی وارد بشود، به او ضربه می‌خورد. این یکی از نقشه‌های بزرگ استعمار است که بعضی باور کردند.<sup>۱</sup>

به نظر حضرت امام (ره) علت اینکه دشمنان اسلام، دین را به امور عبادی و فردی محدود می‌کردند این بود که این امور برای آنها و منافع مادی آنها ضرر و زبانی نداشت!

«روحانی مسجد برود و نماز بخواند و... درس بگوید و مباحثه بکند و آن آداب شرعی را به مردم نشان بدهد. آنها دیدند که نماز روحانیون و نماز اسلام هیچ به آنها ضرر ندارد، ... آنها به نفت کار نداشته باشند، نماز بخوانند هر چه می‌خواهند تا خسته بشوند، درس هر چه دلشان می‌خواهد بدهند، مباحثه هم هر چه می‌خواهند بکنند، کار نداشته باشند به اینکه سیاست استعماری در اینجا نباید اجرا بشود، هر کاری می‌خواهند بکنند...»<sup>۲</sup>

بخوانند و بگویند اما به آنها کار نداشته باشند، در این صورت مشکلی وجود ندارد و اسلامی هم نباید باشد زیرا دینی که درد افرادش را نشناسد و به آن بها ندهد و تحرک نداشته باشد، هیچ ارزشی ندارد و در واقع جسدی است که روح ندارد و یا کشتی بی است که نوح ندارد و هدف استعمارگران هم دقیقاً این است که اسلام را منزوی کرده و دردهای اجتماعی را از آن جدا سازند و بسیار طبیعی است وقتی که گفتند دین سیاست ندارد، خواهند گفت که سیاست خلاف شأن روحانیت است:

۱. صحیفه نور - ج ۱۶ ص ۲۴۸.

۲. صحیفه نور - ج ۲ ص ۱۶۳.

... که اینها نباید در امور سیاسی داخل بشوند، خلافشان آنهاست، حتی این آخری می‌گفتند که با قداست اینها مخالف است، با قداست اهل علم، وارد شدن در حکومت و سیاست مخالف است.<sup>۱</sup>

## محور دوم

برای شناخت اسلام، باید به دنبال همه جنبه‌های آن رفت و آن کسی که مسأله را درک نمی‌کند و متوجه نیست، اسلام‌شناس نخواهد شد. باید به همه مسایل از جمله عبادی، اجتماعی، سیاسی و... در کنار هم باید توجه داشت و به نظر حضرت امام(ره) اسلام یک رژیم کامل سیاسی است و در برگیرنده همه نیازهای انسان:

... اسلام فقط عبادت نیست، فقط تعلیم و تعلم عبادی و امثال اینها نیست، اسلام سیاست است ... اسلام یک رژیم است، یک رژیم سیاسی است منتها سایر رژیم‌ها از بسیاری از امور غافل بودند و اسلام از هیچ چیز غافل نیست ...<sup>۲</sup>

و نمی‌توان فرقی میان رهبر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، عبادی و... گذاشت و واقع یک رهبری می‌تواند همه را بر دوش بکشد:

اگر شما بتوانید مفهوم مذهب را در فرهنگ اسلامی ما درک و دریافت کنید، به روشنی خواهید دید که هیچ‌گونه تناقضی بین رهبری مذهبی و سیاسی نیست ...<sup>۳</sup>

این مسایل از آنجا نشأت می‌گیرد که کتاب مذهبی ما مسلمانان جامع و متحرک و پویا است و همه جنبه‌های زندگی انسان را در نظر دارد:

مذهب اسلام که سندش قرآن است و محفوظ است، حتی یک کلمه تغییر نکرده است. این طور است که قرآن مشتمل بر همه چیز است یعنی یک کتاب آدم‌سازی است ...<sup>۴</sup>

احکام سیاسی اسلام بیشتر از احکام عبادی آن هست. کتاب‌هایی که ... اسلام در سیاست دارد بیشتر از کتاب‌هایی است که در عبادت دارد.<sup>۵</sup>

۱. صحیفه نور - ج ۱۵ ص ۵۷

۲. صحیفه نور - ج ۵ ص ۱۰۷

۳. صحیفه نور - ج ۴ ص ۱۶۷

۴. صحیفه نور - ج ۳ ص ۱۲۱

۵. صحیفه نور - ج ۱ ص ۲۳۹



آن قدر آیه و روایت که در سیاست وارد شده است، در عبادت وارد نشده است. شما از پنجاه و چند کتاب فقه را ملاحظه می کنید، هفت - هشت تا بش کتابی است که مربوط به عبادات است، باقیش مربوط به سیاسات و اجتماعیات و معاشرات و این طور چیزهاست.<sup>۱</sup>

حضرت امام (ره) که خود فقیه، قرآن شناس، اسلام شناس و... بوده اند، به صراحت اعلام می کنند که غیر از سیاست و اجتماع در میان کتب و متون اسلامی، مطلب دیگری یا نمی باید و یا بسیار اندک و جزئی و عبادت هم در اسلام همان سیاست است:

... واللّه اسلام تمامش سیاست است، اسلام را بد معرفی کرده اند، سیاست مدرن از اسلام سرچشمه می گیرد.<sup>۲</sup>

حضرت امام (ره) در موارد بی شمار و از جهات مختلف تداخل امور سیاسی و... اسلام را بررسی می نمایند و با شرح و بسط کامل آن موارد را ذکر می کنند که به علت کثرت آنها به مهمترین موضوعاتشان اشاره می شود.

- ۱- اهتمام به امور مسلمین عبارت است از امور سیاسی و اجتماعی مسلمین.<sup>۳</sup>
- ۲- اگر اهتمام به امر مسلمین کسی نکند مسلم نیست، به حسب روایت منسوب الی رسول اللّه.<sup>۴</sup>
- ۳- قیام بالقسط و مردم را به قسط وارد کردن مگر می شود بدون دخالت در امور سیاسی.<sup>۵</sup>

۴- اینهایی که به امور جامعه و مصیبت های مردم اهتمام ندارند ... مصداق همان آیه شریفه اند: «یتمتعون و یا کلون کما تأکل الانعام و النار مثوی لهم»...<sup>۶</sup>

۵- موظفید گرفتاری هایی که برای مسلمین پیش می آید، دخالت کنید.<sup>۷</sup> یکی از نکات بسیار زیبا و جالبی را که امام (ره) مطرح می کنند مسأله اختلاط احکام اسلام با سیاست است، یعنی اگر فرضاً اسلام زکاتی را فرض کرده، علاوه بر در نظر گرفتن مسایل مالی، مسایل سیاسی را نیز در نظر گرفته است: ... همه احکامش یک احکام مخلوط به سیاست است... نمازش

۱. صحیفه نور - ج ۵ ص ۲۰.

۲. صحیفه نور - ج ۱ ص ۶۵.

۳. صحیفه نور - ج ۱۵ ص ۱۴۷ - ۱۴۶.

۴. صحیفه نور - ج ۱۵ ص ۷ - ۱۳۶.

۵. صحیفه نور - ج ۱۵ ص ۱۷۴.

۶. صحیفه نور - ج ۱ ص ۱۷۴.

۷. صحیفه نور - ج ۱ ص ۱۷۲.

مخلوط به سیاست است، حجتش مخلوط به سیاست است، زکاتش سیاست است، اداره مملکت است...<sup>۱</sup>

اجتماعات به این بزرگی اسلام دارد اما از آنها به درستی استفاده نمی‌شود. نماز جمعه، حج، نماز عید قربان و فطر و اجتماعات به ظاهر عبادی دیگر که به نظر حضرت امام (ره) پوسته آنها عبادی است اما از درونشان سیاست می‌جوشد و چرا نباید مشکلات اسلام و مسلمین مطرح شده و مورد بررسی قرار گیرد. در واقع باید در خطبه نماز جمعه مشکلات و مسایل مسلمانان مطرح شود. مسلمین از گرفتاری‌ها و حال یکدیگر اطلاع پیدا کنند و در رفع مسایل هم بکوشند و در حج از این امکانات باید به خوبی استفاده شود که نمی‌شود. این همه آدم از جاهای مختلف و با خرج خودشان می‌آیند، اما هیچ فعالیت عملی برای مسایل اجتماعی و سیاسی صورت نمی‌گیرد. آیا این فلسفه حج است؟ این اجتماعات بدون استثنا دارای دو جنبه هستند و در واقع سیاست و عبادت در یکدیگر مدغمند. یعنی همان جنبه عبادی یک جنبه سیاسی دارد و بر عکس.<sup>۲</sup>

و گذشته از جنبه‌های عبادی، جنبه‌های اخلاقی اسلام هم مدغم به سیاست است. یعنی همان مسأله اخلاقی یک جنبه سیاسی هم دارد. مثلاً همین «المؤمنین اخوة» چقدر در روحیه مسلمانان جهت وحدت و یکدلی تأثیر دارد و مسلمانان را در کنار یکدیگر یک رنگ و متحد می‌کند و نسبت به یکدیگر احساس مسؤلیت و وظیفه می‌کنند و به یاری و کمک همدیگر می‌شتابند.<sup>۳</sup>

### محور سوم

حضرت امام (ره) در موارد بی‌شماری از سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها، اطلاعیه و... دخالت انبیا و ائمه و اولیا الهی، در سیاست را ذکر نموده و از ضرورت آن، پرده برمی‌دارند که به چند نمونه اشاره می‌شود:

...این مسأله دخالت در امور سیاسی از بالاترین مسائلی است که انبیا برای او آمده بودند. قیام بالقسط و مردم را به قسط وارد کردن مگر می‌شود بدون دخالت در امور سیاسی؟ مگر امکان دارد بدون دخالت در سیاست و دخالت در امور اجتماعی و در احتیاجات ملت‌ها کسی

۱. صحیفه نور - ج ۹ ص ۱۲۸ - ۱۲۷.

۲. ر.ک. صحیفه نور - ج ۹، ص ۱۲۷ - ۱۲۶ ج ۲، ص ۱۲۱ - ۱۲۰ ج ۹، ص ۱۲۰۴ ج ۱۳، ص ۱۵۴ - ۱۵۳.

۳. صحیفه نور - ج ۱۳ ص ۲۴ - ۲۳.

بدون اینکه دخالت کند، قیام بالقسط باشد؟ «يقوم الناس بالقسط»  
باشد؟<sup>۱</sup>

حضرت امام (ره) در ادامه همین مطلب سیره و روش پیامبران را به تفصیل مطرح می‌کنند و به این نتیجه می‌رسند که اولین حرکت هر پیامبر قیام بر علیه طاغوت‌ها و ظالمین بوده است کما اینکه موسی به مقابله فرعون می‌رود و پیامبر (ص) اسلام استعمارگران مکه را مورد حمله قرار می‌دهد و گرنه اگر پیامبر (ص) فقط مسأله می‌فرمود و در اصل، اگر دین به مسایل عبادی خلاصه می‌شد، زورگویان مکه کاری به پیامبر (ص) نداشتند و فرعون به موسی و نمرود به ابراهیم و یزید به امام حسین (ع) و ...

رسول‌الله پایه سیاست را در دیانت گذاشته است ... سیاستی که در صدر اسلام بود یک سیاست جهانی بود. پیامبر اسلام دستش را دراز کرده بود در اطراف عالم و عالم را داشت دعوت می‌کرد به اسلام و دعوت می‌کرد به سیاست اسلامی و حکومت تشکیل داد و خلفای بعد حکومت تشکیل دادند. در صدر اسلام از زمان رسول خدا تا آن وقتی که انحراف در کار نبود، سیاست و دیانت توأم بودند...<sup>۲</sup>

به نظر حضرت امام (ره) معنی ندارد بگوییم که انسان نباید در سیاست دخالت کند تا قداستش محفوظ بماند و این یکی از بزرگترین توطئه دشمنان بوده که در طول تاریخ برای از میدان به در کردن نیروهای واقعی جامعه و صاحبان اصلی سیاست و حکومت به کار بردند و موفق شدند و بسیاری از این نکته غافل شدند که مگر پیامبر (ص) و علی (ع) سیاستمدار نبودند و مگر حکومت تشکیل ندادند و حکام، کارگزاران و فرمانداران را به اطراف و اکناف اعزام نمی‌کردند و مگر حدود الهی را جاری نمی‌کردند و مگر مالیات مسلمین را جمع‌آوری و مصرف نمی‌کردند و...؟ پیامبران و ائمه (ع) به این مسایل توجه داشتند و وظایف سیاسی خودشان را انجام می‌دادند و در کنارش قداست، تقوا و... را هم به تمام و کمال دارا بودند!

آن کسی که جهات معنوی خودش را تقویت کرد، آن کس در جهات طبیعی هم قوی می‌شود. مَثَلٌ مَثَلٌ انبیاست و اولیاء، با همه آن معنویات، با همه آن معارف الهیه کشورداری هم می‌کردند، حکومت هم تأسیس می‌کردند. حدود را هم جاری می‌کردند، کسانی هم که

۱. صفحه نور-ج ۱۵ ص ۱۴۷-۱۴۶.

۲. صفحه نور-ج ۱۷ ص ۱۳۹-۱۳۸.

مضرّ به جامعه بودند از دم شمشیر می‌گذراندند، در عین حالی که در آن پایه از معارف بودند.<sup>۱</sup>

... ما حجتان بر این است که اگر چنانچه این مبارزه را ادامه بدهیم و صد هزار نفر از ما کشته بشود، برای دفع ظلم اینها و برای اینکه دست آنها را از مملکت اسلامی کوتاه کنیم ارزش دارد. حجتان هم کار حضرت امیر سلام... علیه و کار حضرت سیدالشهدا سلام... علیه است...<sup>۲</sup>

و بسیار طبیعی است که جهاد و مبارزه بر علیه دشمنان خسارت‌های مالی و جانی دارد و در طول تاریخ پیامبران از جان خود و خانواده و نزدیکانشان، در این راه گذشته‌اند و همه مصایب و مشکلاتش را به جان خریده‌اند. لذا آن چه که از سیره عملی پیامبران (ع)، ائمه (ع) و اولیای خدا (ع) به دست می‌آید مبارزه با ظالمان، گردنکشان و زورگویان است و در این راه همیشه مستضعفین و پابرنه‌ها در کنار رهبران الهی و ثروتمندان در کنار طاغوتیان قرار دارند و زیاتر از این سراغ نداریم که پیامبران خود از میان محرومان برخاسته‌اند و با آنها و در کنار یکدیگر مبارزه کرده و باهم جان داده‌اند و ائمه هدی (ع) همه به شهادت رسیده‌اند و این با عدم دخالت در سیاست منافات دارد و حجت است.

### محور چهارم

جدایی دین از سیاست که هدف اصلی دشمنان اسلام در دوره‌های گذشته و حال می‌باشد، دارای آثار و نتایجی است که استعمارگران را به اهدافشان می‌رساند و خوشحالشان می‌سازد اما ضربه مهلکی به اسلام و مسلمین وارد آورده و امت اسلام را به سوی بدبختی و زوال سون می‌دهد. آثار و تبلیغات جدایی دین از سیاست که همان به نابودی کشاندن و محور اسلام است، در چند بند آورده می‌شود.<sup>۳</sup>

### ۱- نابودی ملت‌ها

ابر قدرت‌ها و دشمنان اسلام با تلاش‌های موزبانه و با وسایل مختلف، مسلمانان را به انواع بلاها گرفتار کرده و در غفلت فرو بردند و کسانی را که به وسایل مادی نمی‌توانستند از میدان بیرون کنند با نیرنگ حفظ قداست، خانه‌نشین کردند و سپس

۱. صحیفه نور - ج ۱۹ ص ۲۱۲.

۲. صحیفه نور - ج ۳ ص ۸.

۳. حکومت از دیدگاه امام خمینی - اداره ارشاد تهران - ۱۳۷۳ - ق.م.

خود به غارت و استعمار جوامع اسلامی مشغول گشتند:

چپاولگران حیلہ گر کوشش کردند به دست عمال به اصطلاح  
روشنفکر خود اسلام را همچون مسیحیت منحرف، به انزوا کشانند  
و علما را در چهار چوب مسایل عبادی محبوس کنند و ... در این امر  
توفیق به سزایی پیدا کردند و از این جهالت و غفلت ما سوء استفاده  
نمودند و بلاد مسلمین را یا مستعمره خویش نمودند و یا به استثمار  
کشیدند و بسیاری از سلاطین و حکام مسلمین را استخدام نموده و با  
دست آنان ملت‌ها را به استضعاف و استثمار کشانند و وابستگی  
و فقر و فاقه و پیامدهای آنها گریبان‌گیر توده‌های در بند گردید...<sup>۱</sup>

## ۲- محدود شدن فقاہت

دشمنان زیرک تلاش داشتند، روحانیت شیعه را همانند روحانیت نصاری به بند  
کشیده یا تحت کنترل خود قرار دهند و یا از آنها موجودات بی اثر و خنثی بسازند و در  
این راه تا حدودی موفق هم گردیدند.

... وقتی شعار جدایی دین از سیاست جا افتاد و فقاہت در منطق  
ناآگاهان غرق شدن در احکام فردی و عبادی شد و قهراً فقیه هم مجاز  
بود که از این دایره و حصار بیرون رود و در سیاست و حکومت  
دخالت نماید.<sup>۲</sup>

## ۳- غفلت و فراموشی احکام سیاسی اسلام

و بسیار طبیعی است وقتی که دایره محدود شود، اجباراً باید بسیاری از مسایل  
کنار گذاشته شود و این باعث فراموشی و غفلت شده و به تدریج چنین به نظر می آید  
که اصلاً چنین ابوابی وجود نداشته و باور کردن آن ابواب مشکل می شود و به نظر  
نمی رسد که توطئه‌ای از این وحشتناک تر قابل طراحی باشد.

... و تقریباً اکثر ابواب فقه کنار گذاشته شده بود عملاً، توی کتاب‌ها  
نوشته شده بود و کنار گذاشته شده بود و اکثر آیات قرآن هم کنار  
گذاشته شده بود. قرآن می خواندیم و می بوسیدیم و می گذاشتیمش  
کنار، آیاتی که مربوط به جامعه بود، آیاتی که مربوط به سیاست بود،

۱. صحیفه نور - ج ۱۸ ص ۸۸-۸۹

۲. صحیفه نور - ج ۲۱ ص ۹۱



آیاتی که مربوط به جنگ بوده، آیات زیادی که اکثر آیات مربوط به این مسایل است، اینها را منسی کرده بودیم، یعنی ما را وادار کرده بودند که منسی باشد.<sup>۱</sup>

#### ۴- ارزش منفی برای روحانی سیاسی

مسأله جدا بودن دین از سیاست، مسأله‌ای که با کمال تزویر و خدعه طرح کردند حتی ما را هم مشتبه کردند، حتی کلمه آخوند سیاسی یک کلمه فحش است در محیط ما...<sup>۲</sup>

و در اینجا بد نیست یادآوری شود که بیشترین بار سخنان امام (ره)، درباره مسایل دینی و احیای حقیقت آن متوجه روحانیون و علما است، به دو جهت، اول این که دشمن از این راه وارد شد و موفق گشت به اسلام ضربه بزند و دوم این که مسلمانان همیشه چشمشان به دهان روحانیون و علما بوده و اگر همه روحانیون و علما در طول تاریخ متوجه توطئه دشمن می شدند و با آن به شدت مقابله می کردند، وضعیت مسلمانان یقیناً بهتر از آنچه که امروز شاهدش هستیم می بود. لذا امام (ره) بیشترین تأکید و صحبت، روی این مسأله حیاتی و حساس داشته‌اند.

#### خاتمه

حضرت امام (ره) بعد از آن همه تلاش در راه احیای اسلام ناب محمدی (ص) درگذشت و یک میلیارد مسلمان جهان را در غم خورد به ماتم نشانند، اما با این که امام، امروز در کنار ما نیست ولی روح بلندش از سال‌ها قبل سراسر کشورهای اسلامی و حتی غیر اسلامی را در نور دید و جهان را تکان داد. در آفریقا شامل شمال، جنوب و شرق و غرب و مرکز آن، در آمریکای مرکزی، جنوبی و شمالی، در اروپا، شرقی و غربی، در تمام آسیا، آسیای جنوب شرقی و حتی استرالیا و در لبنان، فلسطین، پاکستان، کشمیر، ترکیه، بوسنی، افغانستان، الجزایر، چین و... صدای رسا و بیدارگر امام به گوش می‌رسد و انسان را در شادی و لذت غرق می‌کند. به اعتراف دشمنان اسلام و استعمارگران دیروز و امروز، قرن ۲۰ و ۲۱، قرن بیداری مسلمانان در جهان و پایان سلطه استعمارگران است:

لندن - ... تلویزیون دولتی انگلیس «بی بی سی» با پخش یک فیلم

۱. صحیفه نور - ج ۱۵ ص ۵۶

۲. صحیفه نور - ج ۵ ص ۱۹.

مستند دربارهٔ انقلاب اسلامی ایران، در ابتدا به وضعیت اسلام در ابتدای قرن ۲۰ پرداخت و گفت:

«در آن زمان اکثریت مسلمانان جهان در کشورهای زندگی کردند که در استعمار کشورهای غربی بودند...» این برنامه در مورد تأثیرات انقلاب اسلامی گفت: «جذابیت انقلاب اسلامی در دنیای خارج مشاهده شد و به جذب بسیاری از مردم جهان به سمت آن انجامید...» به گفته این فیلم، در سراسر جهان اسلام این داستان تکرار می‌شد و مسلمانان بازگشت به اصول‌گرایی اسلامی را تنها راه شناسایی مجدد هویت خود می‌دانستند و برای آنها به غیر از این، راه حل دیگری در مقابل مادگیری غرب وجود نداشت.

گوینده این فیلم اظهار داشت: «در سراسر جهان، پیروان دیگر ادیان مانند مسیحیت، یهودیت و هندو نیز به اصول‌گرایی مذهبی روی آوردند. حتی در ترکیه نیز که ۷۰ سال قبل با مذهب جنگ شده بود، روند بازگشت به اصول اسلامی سرعت گرفته و یک حزب اسلامی، تشکیل دولت داده است.»

در پایان این برنامه ضمن نمایش صحنه‌های تشییع پیکر پاک حضرت امام خمینی و مرقد مطهر ایشان گفته شد: «در سال ۱۳۶۸، صدها هزار نفر در مراسم تشییع جنازهٔ آیت‌الله خمینی شرکت کردند. اما با مرگ وی انقلاب اسلامی ادامه یافت و در کشورهای اسلامی مانند: تونس، الجزایر و حتی ترکیه، مسلمانان به مقابله با دولت‌های لائیک پرداختند. می‌توان گفت در آستانه پایان یافتن قرن بیستم، پیروان خدا اعم از مسلمان، یهودی و مسیحی یک‌بار دیگر گرد هم می‌آیند و نه تنها به ابراز و بیان اعتقادات خود می‌پردازند، بلکه به جذب دیگران به سوی اعتقادات خود نیز اقدام می‌کنند.»<sup>۱</sup> لازم به ذکر است که فیلم مستند - تلویزیون «بی‌بی‌سی» در مورد نقش انقلاب اسلامی ایران در بازگشت جهان به اصول‌گرایی مذهبی، تهیه شده بود. والسلام

۱. «اعتراف تلویزیون دولتی انگلیس به نقش انقلاب اسلامی در احیای ارزش‌های دینی در جهان» روزنامه جمهوری اسلامی - دوشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۵۷ - ص ۱۶.